خوان نعمتش فراگیر است1

متن اجرا:

ولیعهد حاکم زمان بود. پرجلالت و شوکت. اما او تنها کسی بود که جنس ولایت عهدش فرق می کرد ، به ظاهر این منصب را داشت اما درحقیقت

خلیفه ی تک تک ذرات عالم بود . همتا نداشت . در عین ابهت، به قدری رئوف بود که خرد و کلان را گرد خود جمع می کرد . بزرگی اش باعث جاذبه اش می شد که هر کوچک مرتبه ای می توانست پیام محبیش را لمس کند و دوستی خودش را نیز به آقایش ابراز کند.

یاسر ، خادم امام رضا علیه السلام می گوید : هر وقت سرش خلوت می شد تمام خدم و حشم خود را جمع می کرد و همچون کسی که هم سن و سال و مشتاق به ماست و حرف های مان را به خوبی درک می کند ، با ما هم نشین می شد و هم کلام هم می شدیم.

مزه ی انس با او را وقتی می فهمیدیم که به یاد می آوردیم که چنین بزرگ مردی ، اینگونه با خدمت کارانش همدم می شود، در حالی که پست مردمانی که هیچ نبودند و به ظاهر ، مقامی داشتند و خود را والا مقام می دانستند ، چه ناروا و زننده با ما برخورد می کردند ، آنها کجا و انس گرفتن با زیردستانشان.

او دامه میدهد که : امام من وقتی برسفره ای می نشست ، از کسی فرو گذار نمی کرد و همه ما ، از بزرگ گرفته تا کوچک را جمع می کرد و سر سفره می نشاند . وای چه لحظات شیرینی بود که می دیدم او از بودن با ما شادمان بود ، تفاوت محبتش در این بود که خورشیدی به ذره ای ،تماما از روی شورو شوق و علاقه می تابید.

اما هیچ می دانی ای رفیق که اگر امام رضا علیه السلام سفره ای پهن می کرد و همه را دعوت میکرد ، یگانه فرمانروای هستی در حال حاضر ، سفره ی نعمتش را به درازای صدها سال و به وسعت کل هستی ، پهن کرده است و همه و همه را مهمان خود کرده است.

او منتظر گشودن دیدگان ماست که او را ببینیم ، انس گرفتنش با ما را بفهمیم ؛ که بزرگِ عالم به کوچکترین ها حواسش هست و چقدر حیف که او در بر ما هست و ما جایی دگر....

تو خورشیدی و ذره پرورترینی فدای سجایای زهرایی تو

متن ترجمه:

از ياسرِ خادم روایت شده است که هنگامی که حضرت رضا (ع) سرشان خلوت می شد ، خدم و حشم خود را از كوچك و بزرگ جمع مي كرد و با آنها گفتگو مي كرد و با آنها انس می گرفت (و محبتی دو طرفه شکل می گرفت).

و وقتی که ایشان بر سر سفره می نشست هيچ كوچك و بزرگى را فرو گذار نمي كرد.

عيون أخبار الرضا عليه السلام ج2-ص159

وسائل الشیعه ج24 ص 265

بحار الانوار ج49 ص164

متن عربی:

كَانَ الرِّضَا ع إِذَا كَانَ خَلَا جَمَعَ حَشَمَهُ كُلَّهُمْ عِنْدَهُ الصَّغِيرَ وَ الْكَبِيرَ فَيُحَدِّثُهُمْ وَ يَأْنَسُ بِهِمْ وَ يُؤْنِسُهُمْ وَ كَانَ ع إِذَا جَلَسَ عَلَى الْمَائِدَةِ لَا يَدَعُ صَغِيراً وَ لَا كَبِيراً حَتَّى السَّائِسَ وَ الْحَجَّامَ إِلَّا أَقْعَدَهُ مَعَهُ عَلَى مَائِدَتِه‏.

عيون أخبار الرضا عليه السلام ج2-ص159

وسائل الشیعه ج24 ص 265

بحار الانوار ج49 ص164

1. کرامت